آزادی ۲۵ زن زندانی به مناسبت روز مادر

گروه حوادث/ رئیس کل دادگستری استان تهران از آزادی ۲۵ نفر از زندانیان زن به مناسبت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا(س) خبر داد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، علی القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران، هم‌زمان با فرارسیدن ولادت باسعادت حضرت صدیقه طاهره (سلام‌الله علیها) در یک نشست مجازی با جمعی از زندانیان ندامتگاه زنان تهران گفت‌وگو کرد و به بررسی مسائل و مشکلات آنان پرداخت. در نتیجه این پیگیری‌ها، ۲۵ نفر از مددجویان زن در استان تهران، با بهره‌مندی از تسهیلات قضایی و کمک خیرین، آزاد شده و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند. مجموع بدهی این افراد بیش از ۲۰ میلیارد تومان بود که با تلاش برای انجام سازش، همراهی خیرین و ستاد دیه و نیز مساعدت‌های قضایی، با پرداخت حدود ۹ میلیارد تومان، امکان آزادی آنها فراهم شد.

یکی از زندانیان زن از سال ۱۳۹۹ به‌دلیل سوءاستفاده از کارت بانکی‌اش محکوم و زندانی شده است. این فرد که مادر یک کودک هشت‌ساله است، به علت بدهی ۶۰۰ میلیون تومانی و ناتوانی در تودیع وثیقه، طی این سال‌ها حتی یک روز نیز از مرخصی برخوردار نشده بود که زمینه آزادی او با استفاده از کمک‌های خیرین و به‌مناسبت روز زن و مادر فراهم شد.

همچنین با توجه به اقدام نیکوکارانه دانش‌آموزان یکی از مدارس تهران که مبلغ ۳۰ میلیون تومان برای آزادی یک زندانی جمع‌آوری کرده بودند، مقدمات آزادی یکی دیگر از زندانیان زن به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) فراهم شد. القاصی پس از بررسی پرونده این زندانی نیز دستور داد باقی‌مانده بدهی او به مبلغ ۴۶ میلیون تومان از محل کمک خیرین پرداخت شود.

بخشش قاتل به شرط خدمت به سالمندان

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ ۳ سال خدمت در خانه سالمندان شرطی بود که اولیای دم برای بخشش قاتل پدرشان به حرمت تولد حضرت فاطمه(س) در نظر گرفتند.

به گزارش «ایران»، پاییز سال ۱۴۰۰ دو مرد جوان در حالی که صورت‌هایشان را با ماسک پوشانده بودند، از دیوار خانه‌ای ویلایی در یکی از شهرهای مرکزی کشور، بالا رفته تا سناریوی سرقت از خانه را رقم بزنند. آنها برای بدست آوردن رمز گاوصندوق به سراغ صاحبخانه که مردی بازنشسته بود، رفتند و با تهدید دست و پاهای او را بسته و کتکش زدند تا رمز گاوصندوق را بگوید. اما ضرباتی که آنها وارد کردند، منجر به مرگ او شد و سپس از ترس فرار کردند.

مظنون، پرستار خانگی

دو روز بعد فرزندان مقتول که نگران او شده بودند به خانه‌اش رفته و جسدش را پیدا کردند. دختر مقتول در تحقیقات به تیم جنایی گفت: «پدرم بازنشسته بود و به تنهایی زندگی می‌کرد، ما برایش پرستار خانگی گرفته بودیم. اما امروز فهمیدیم پرستارش در این دو روز به سراغ پدرمان نیامده است.»

بدین ترتیب احتمال قتل از سوی خسرو پرستار خانگی مطرح شد و پلیس وی را دستگیر کرد.

پسر جوان ابتدا منکر جنایت شده و مدعی بود که به خاطر انجام کارهای شخصی از مقتول مرخصی گرفته است اما در ادامه تحقیقات و در مواجه با

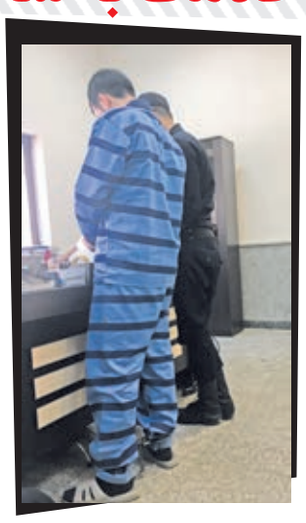

مدارک پلیسی به قتل با همدستی پسر خاله‌اش اعتراف کرد و گفت: «چند ماهی پرستار خسرو بودم و متوجه شدم که وضع مالی خوبی دارد. یک شب که پسر خاله‌ام شاهرخ به خانه‌مان آمده بود، پیشنهاد دزدی از خانه مرد تنها را مطرح کرد. شاهرخ سابقه سرقت در پرونده خود داشت، مرا وسوسه کرد و من هم قبول کردم.» او ادامه داد: «در خانه یک گاوصندوق بود که من رمزش را نمی‌دانستم. او را کتک زدیم تا رمز را بگوید اما در جریان کتک‌های ما فوت کرد. ناگهان ترس به جانمان افتاد و بدون آنکه ریالی از خانه او سرقت کنیم، فرار کردیم. در این مدت هم از عذاب وجدان اینکه او را به قتل رسانده بودیم، آرامش نداشتم.»

ملاقات با چوبه دار

با اعتراف متهم، شاهرخ نیز بازداشت شد و هر دو متهم به بازسازی صحنه جنایت پرداختند. باتوجه به اظهارات متهمان و مدارک موجود در پرونده هر دوی آنها به عنوان عاملان جنایت شناسایی شده و هر دو متهم در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفتند. به درخواست اولیای دم قضات حکم اشد مجازات را صادر کردند و هر دو مرد به قصاص محکوم شدند.

در این سال‌ها تلاش برای جلب رضایت اولیای دم ادامه داشت تا اینکه چند ماه قبل شاهرخ به علت بیماری در زندان فوت کرد. مرگ شاهرخ و پشیمانی خسرو از قتلی که مرتکب شده بود، باعث شد تا هفته گذشته خانواده مقتول به دادسرا مراجعه کرده و از قصاص او گذشت کنند.

دختر مقتول گفت: «ما قصد بخشش نداشتیم اما وقتی یکی از قاتلان پدرم فوت کرد، هیچ حس آرامشی از این مرگ به ما دست نداد و داغ پدرمان کم نشد، بنابراین تصمیم به بخشش گرفتیم تا روح پدرمان در آرامش باشد. ما به حرمت میلاد فاطمه زهرا(س) از اجرای حکم گذشت کردیم. البته برای این بخشش شرط داریم و شرط‌مان این است که او به مدت سه سال به صورت رایگان به خانه سالمندان برود و از آنها نگهداری و برایشان غذا درست کند.» با بخشش اولیای دم و قبول این شرط از سوی متهم، پرونده بزودی به دادگاه کیفری ارسال خواهد شد تا متهم از جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

سرنوشت پسر جوان در گرو تصمیم دو عمو

گروه حوادث: کامران علمدهی/ پسرک هنوز ۱۸ سالش تمام نشده بود اما مشکلات زندگی به اندازه ۵۰ سال بر سرش آوار شده بود. یک روز وقتی هراسان و پریشان احوال دست خواهر کوچکش را گرفت و به خانه خاله‌اش در شهرستان رفت انگار می‌خواست دخترک را در غیاب پدر و مادر در جای امنی بسپارد و به سوی سرنوشت نامعلومی راهی شود.

اما یک روز صبح وقتی همه خواب بودند زنگ خانه خاله‌اش به صدا درآمد و ناگهان سایه چند مأمور پلیس را بالای سرش دید. فهمید که به آخر خط رسیده است نیم نگاهی به خواهرش انداخت. بالاخره روزی که منتظرش بود رسید. نوید می‌دانست دیر یا زود بالاخره سردی دستبند آهنین قانون را روی دستانش حس می‌کند.

مأموران او را به تهران منتقل کردند. در همان بازجویی‌های اولیه لب به اعتراف باز کرد و گفت: «من کشتم! هم مادربزرگم و هم عمویم را.»

در حالی که دستانش می‌لرزید و صدایش به سختی بیرون می‌آمد، گفت: «آن شب با خواهر کوچکم خانه مادربزرگم بودیم عید بود و برای عید دیدنی به آنجا رفته بودیم اما عمویم دوباره شروع به بد و بیراه گفتن و سرکوفت زدن کرد بعد هم می‌خواست از اتاق بیرون برود که از شدت عصبانیت چاقویم را بیرون آوردم و از پشت سر دو ضربه به او زدم. با فریادهای او مادربزرگم خودش را به اتاق رساند و شروع به جیغ و داد کرد که با کپسول پیک نیکی او را هم زدم. وقتی هردو روی زمین افتادند به سراغ خواهرم رفتم و به سرعت فرار کردیم و بعد راهی خانه خاله‌ام در شهرستان شدیم. به خاله سمیه هم نگفتیم که چه شده از بس در این سال‌ها آواره این خانه و آن خانه بودیم آمدنمان برایش سؤال برانگیز نبود.»

پرونده پسرک که در زمان قتل‌ها هنوز ۱۸ سالش نشده بود پس از تکمیل به شعبه ۴ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. غیر از دو عموی او که رضایت داده بودند دخترعمو و دو عموی دیگرش خواستار قصاص نوید شدند.

نوید حالا دیگر ۱۸ سال را رد کرده وقتی به جایگاه رفت با صدایی که خیلی خسته بود گفت: «پدر و مادرم دو سال قبل از هم جدا شدند و پدرم به خاطر سرقت به زندان افتاد. مادرم هم به شیشه اعتیاد پیدا کرد. من و خواهرم آواره شده بودیم حتی نانی برای خوردن نداشتیم برای اینکه از گرسنگی نمیریم سربار خانه دایی و خاله بودیم. آنها هم از سر دلسوزی ما را به خانه شان راه می‌دادند اما نگاهشان فقط از سر ترحم بود. دوست نداشتم کسی تحقیرمان کند. هرگز فکر نمی‌کردم یک روز به عنوان قاتل عمو و مادربزرگم اینجا بایستم. اما نبود پدر و آوارگی مادر معتاد ما را بدبخت کرد.» دراین جلسه نوید مدعی شد خواهر ۱۲ ساله‌اش وقتی به او گفته که عمویشان او را اذیت کرده است کینه و نفرت از عمو او را به خانه مادربزرگ کشانده و سرانجام کار به جنایتی عجیب کشید. در این لحظه اولیای دم حرف‌های نوید را به نشانه اعتراض قطع کردند و گفتند: «او این ادعا را مطرح کرده تا خودش را تبرئه کند.»

قاضی از نوید پرسید: «مادربزرگت را چرا کشتی؟» نوید جواب داد: «از او کینه داشتم. چون او را مسبب همه بدبختی‌هایمان می‌دانستم. باورم این بود که او باعث طلاق پدر و مادرم شده بود و ما را به خاک سیاه نشانده بود. یک روزی ماهم خانه داشتیم و خانواده‌ای دور و برمان بود. اما مادربزرگم با حرف‌هایش آنقدر پدرم را تحریک کرد که چشم باز کردیم و دیدیم زندگی مان از هم پاشیده است. مادرم معتاد شد و ما را رها کرد.»

بعد از اظهارات نوید قضات مقرر کردند تا از خواهر وی که در بهزیستی نگهداری می‌شود تحقیقات لازم به عمل آید و پس از آن رأی لازم را صادر کنند.

نجات یک خانواده با تماس اورژانسی دختر ۵ ساله

گروه حوادث/ تماس دختر ۵ ساله با اورژانس پس از تصادف خانواده‌اش در جاده باعث شد که امدادگران پس از جست و جوی ۲ ساعته این خانواده را نجات دهند.

شامگاه سه‌شنبه یک دستگاه خودروی دنا در جاده‌ای نزدیکی شهر یاسوج واژگون شد. سرنشینان این خودرو زوجی جوان همراه دو دختر خردسالشان بودند. در این حادثه والدین به علت شدت جراحات وارده حال خوبی نداشتند و دختر ۲ ساله نیز مجروح شده بود. اما دختر ۵ ساله خانواده در اقدامی شجاعانه در تماس با اورژانس و دادن نشانی محل حادثه توانست بموقع جان خانواده‌اش را نجات دهد.

این دختر ۵ ساله درباره حادثه گفت: «وقتی تصادف کردیم و ماشین پدرم واژگون شد دستم زخمی شد و خیلی درد می‌کرد هر چه پدر و مادرم و خواهرم حسنا را صدا می‌کردم جواب نمی‌دادند. بعد به فکرم رسید با موبایل به خاله‌ام زنگ بزنم. وقتی با خاله‌ام تماس گرفتم و گفتم تصادف کردیم خاله‌ام با اورژانس تماس گرفت و به من هم گفت با شماره اورژانس تماس بگیر و محلی را که تصادف کردید به آنها بگو تا بیایند شما را پیدا کنند. من هم به اورژانس گفتم که نزدیک تونل هستیم - تونل‌های لوداب- که ما را پیدا کردند.

پرویز غفار فرد، سرپرست اورژانس ۱۱۵ کهگیلویه و بویراحمد گفت: «ساعت ۱۹:۰۶ سه‌شنبه ۱۸ آذر مرکز دیسپچ اورژانس ۱۱۵ استان، تماس تلفنی از یک کودک ۵ساله دریافت کرد که از یک حادثه گزارش می‌داد و تنها نشانی که می‌داد نزدیک تونل‌های لوداب بود. این تماس مبهم اما حیاتی، بلافاصله زنجیره‌ای از اقدامات سریع و هماهنگ را به راه انداخت. کودک در حالت شوک بود و نمی‌توانست محل دقیق را بیان کند، همین موضوع، عملیات را به یکی از پیچیده‌ترین مأموریت‌های اخیر تبدیل کرد. با فعال‌سازی تمام ظرفیت‌های اطلاعاتی و امدادی استان، تنها راهنمای تیم‌ها برای یافتن محل حادثه، سرویس موقعیت‌یاب (لوکیشن) تلفن همراه کودک بود.

سرپرست اورژانس کهگیلویه و بویراحمد خاطرنشان کرد: باتکیه‌بر همین داده‌های محدود، تیم‌های امدادی نزدیک به منطقه احتمالی، جست‌وجوی فوری و گسترده‌ای را در چندین مسیر آغاز کردند و پس از حدود دو ساعت جست‌وجوی بی‌وقفه و بررسی مسیرهای مختلف، محل دقیق حادثه شناسایی و بلافاصله عملیات نجات با تمام توان آغاز شد. در نهایت، تیم‌های عملیاتی اورژانس موفق شدند پدر، مادر و دو کودک ۲ و ۵ساله را از محل حادثه خارج کرده و به بیمارستان شهید جلیل یاسوج منتقل کنند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۹۱۰

آسان

	۳	۵				۱		
۹		۷	۶	۲	۱		۸	
			۹		۵			
۴		۸		۵	۷	۹		۶
۷								۸
۱		۳	۸	۶		۷		۲
			۷		۹			
	۷		۳	۱	۶	۲		۵
		۹				۸	۷	

متوسط

			۴	۳		۷		
	۸	۵		۶	۱		۳	
۳							۸	
۶			۱			۲	۷	
۷								۸
	۵	۲			۷			۱
	۹							۲
	۲		۸	۱		۴	۶	
		۶		۵	۹			

سخت

					۶	۵	۸	
			۲	۳	۵	۴		
۱								۲
				۵			۳	۷
		۵				۱		
۲	۱			۸				
۹								۸
		۱	۵	۴	۸			
	۸	۲	۷					

خیلی سخت

۴		۳	۱		۷		۸	
۸	۷					۶		
					۸			
۵				۲				
۹		۸				۵		۷
				۴				۳
			۹					
		۲					۷	۵
	۶		۴		۲	۳		۸

حل جدول سودوکو شماره ۴۹۱۰

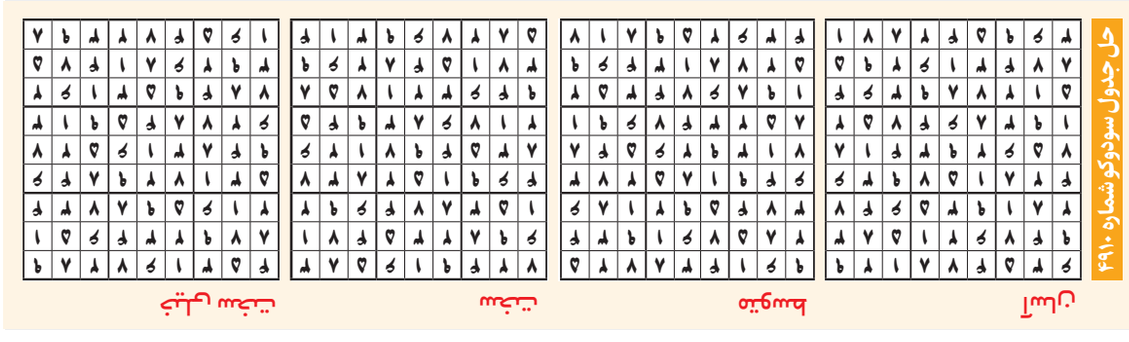

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۹۰۸

جدول عادی

افقی:

۱- ورزش توپ و راکت - رکب و به دام افتادن
۲- زیانکار - آباد، برقرار - اخگر و جرقه آتش
۳- دیدن و نظاره کردن - زین و برگ اسب - تفریق
۴- اسم مصدر از «ریختن» - لزوم امری - انصاف، عدل
۵- ناپدید - صباغ - رخسار
۶- گره‌خوردگی پیشانی - پول حاصل از صادرات - زراعت و کشت - سنگریزه
۷- سرمربی ملوان - عاقل نیست - واژه درد
۸- از مصالح ساختمانی - تله صیادی - چند رئیس
۹- مدور - پایتخت گیلاس ایران - مدرسه عالی
۱۰- کلمه شگفتی - شکوه، جلال - معلق - ساخته شده از نی
۱۱- امپراطور دیوانه روم باستان - ماست که با آب مخلوط کنند - بعضی از بِرتشخیص ندهند
۱۲- دیوار قلعه - صفحه‌ای با دایره‌های تو در تو - حنا
۱۳- واحد پول «بنگلادش» - نابود - منطقه سرد روسیه
۱۴- مرکز «تبت» - هم‌سخن - تزویر کننده
۱۵- نمایش سنتی - ساز پوستی

عمودی:

۱- بسیار تند و سریع - کنایه از بد اخلاق و عبوس
۲- امید که به نیکی یاد شود - ارسال خبر با دستگاه مخصوص - مسافر
۳- سمت چپ - کافر - نامراد
۴- یکی از لبنیات - بانگ و صدا - واحد سطح - یواش
۵- شهر استان لرستان - منهدم شده - غذای مریض
۶- مردود - فن - گوشه‌ای از دستگاه شور
۷- صدای افسوس - کارآموز رشته پزشکی - سوار
۸- خلاف «فردا» - حرف ۳۰ الفبا - پادشاه هون‌ها
۹- زین‌ساز - بهره‌مند - لغزنده
۱۰- شهر استان خراسان رضوی - ژاکت یا سویشرت کلاه‌دار - نشانه فعل استمراری
۱۱- ناصافی صدا - شهر استان مازندران - نهال نازک
۱۲- آماس - عریان - قورباغه درختی - گرفتنی در جنگ
۱۳- طرد شده - سهل - حوض و خزانه حمام
۱۴- ابواب - نجیب‌زاده عضو سواران قرون وسطی - امر به روفتن
۱۵- تثبیت شده - حشره پُرصدا

جدول ویژه

افقی:

۱- قدبلند - لقب «شکسپیر»
۲- عصای سالمندان - نوعی نارنگی - پشت سر
۳- شکار - از سبزی‌های خوراکی - عقیده
۴- نقشی در «ستایش» - حمله - اقامتگاهی ارزان‌قیمت
۵- میان چیزی - نوعی حیوان - برگشت دادن
۶- نخستین درآمد روزانه کاسب - قربانی - دانش سخن - بیماری ریه
۷- نماینده - همسر اسکندر - نظرات
۸- کلان - پول حاصل از صادرات - یک جزو از ده جزو چیزی
۹- محافظ گنج - فیلمی از «وودی آلن» - حافظه جانبی رایانه
۱۰- برابر - نان شیرین - مسابقات سراسری ورزشی - زمان معین
۱۱- مؤسس مذهب و تفکر فلسفی بودایی - ثروتمند - برای رسوایی می‌کشند
۱۲- سرپرست دانش‌آموز - حنا - ماهی رها!
۱۳- مرغی خوش خط و خال - ذکر خدای قلندر - نام «ضیغمی» بازیگر خانم
۱۴- ظرف کوچک آب‌خوری - امپراطور روم - بر زیبایی و دوام کفش می‌افزاید
۱۵- پدر روانشناسی - از غذاهای نوروزی

عمودی:

۱- ستاره «النصر» - غذای بوشهری
۲- بر سر جانور - گریان - یک مجموعه انیمیشنی سرگرم کننده برای خردسالان
۳- همگی - قطعه کوتاه تبلیغاتی - تنگدست و بی‌مایه
۴- صدای برخورد مضراب یا ناخن - قوم کم حرف - پرنده خرامان در آب - ساقه خشک غلات
۵- مهربان - خیابانی در تهران - دخترک کارتونی
۶- عدد کارمندی! - بالای خانه - فقر
۷- از عناصر اربعه - پرنده‌ای در بندرانزلی - یک میلیاردم یک متر
۸- آلبوم محسن چاوشی - خالص - خوشگل
۹- زن شاعر یونان باستان - سنگ آتشفشانی - پول «کره جنوبی»
۱۰- شهری با چشمه‌های آب معدنی - شهر «پرو» - الفبای موسیقی
۱۱- رئیس جیمز باند - گواهان - حیوانی با شاخ های زیبا
۱۲- اسب چاپار - رود «روسیه» - صدای تمسخر - کشور «وینتیان»
۱۳- نیم‌تنه گرم که روی جامه‌های دیگر می‌پوشند - روزها - جاودانگی
۱۴- هر چیز سبک و کم وزن و مختصر - رئیس و فرمانده - همراه چین!
۱۵- شهر بزرگ «موزامبیک» - خودروی ایتالیایی

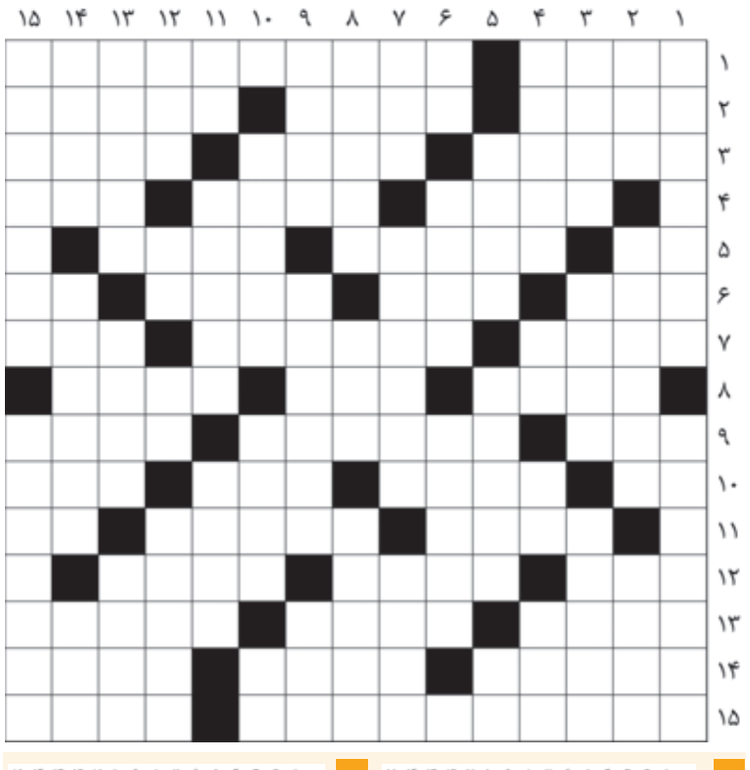

حل جدول عادی شماره ۸۹۰۷

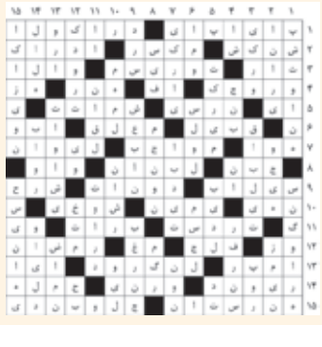
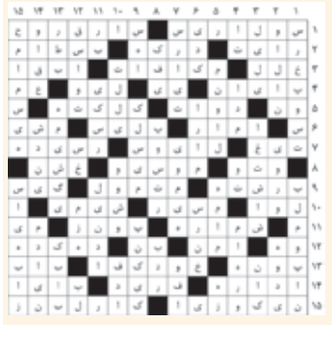
حل جدول ویژه شماره ۸۹۰۷